اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هجدهم)

آسمانها

ما هرگاه به آسمان نگاه می کنیم، در واقع داریم گذشته آسمان را نگاه میکنیم، زیرا نوری که از آنان به ما میرسد مربوط به سالها پیش است. از آیه زیر مشخص میشود که تمام ستارگانی که ما در آسمان می بینیم مربوط به آسمان یکم است، زیرا در آیه، خدای متعال از السماء الدنیا صحبت میکند و می فرماید که آسمان دنیا بوسیله ستارگان زینت داده شده است.

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ
وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۱۲﴾

پس آنها را [به صورت] هفت آسمان در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی قوانین [مربوط به] آن را وحی فرمود و آسمان [این] دنیا را به چراغها و ستاره ها آذین کردیم و [آن را نیك] نگاه داشتیم این است اندازه گیری آن نیرومند دانا (۱۲)

خدا میفرماید که هفت آسمان درست شد و در هر آسمان، قوانین مربوط به آن را وحی کرد (أوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أمْرَهَا). همین نشان میدهد که قوانین و علوم آسمان یکم با آسمانهای دیگر کاملا متفاوت است. از این قسمت آیه هم (زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ) میتوان فهمید که وجود مصابیح (ستاره ها) فقط مربوط به آسمان یکم است و این امر فقط برای این است که بشر توجهش به آسمان جلب شود و وسعت آن را در نظر داشته باشد و در آن کند و کاو کند و به آیات و نشانه های خدا پی ببرد. ساختار آسمانهای بعدی، طور دیگری است. یعنی تا آنجایی که ستاره و یا سیاره دیده میشود؛ آسمان یکم است. بعد از آن آسمان دوم شروع میشود.

با توجه به آیات سوره جن؛ که از زبان خودشان گفته شده است؛ میتوان فهمید که اجنه و شیاطین آسمان یکم را طی کرده اند و آن را لمس کرده اند. هر جا که خدای حکیم، السماء را بصورت مفرد در قرآن ذکر کند؛ منظورش آسمان یکم است.

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ﴿۸﴾

و ما بر آسمان (یکم) دست یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم (۸)

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا ﴿۹﴾

و در [آسمان] برای شنیدن به کمین می نشستیم [اما] اکنون هر که بخواهد به گوش باشد تیر شهابی در کمین خود می یابد (۹)

جنیان آسمان یکم را گشته اند و از آسمانهای دیگر هم استراق سمع میکردند، ولی بعد از مدتی، آنها دیگر نتوانستند از آسمان دوم خبر گیرند. مردم از زمان نوح ، با مفاهیم هفت آسمان آشنایی داشتند، همانطور که خدای مهربان در سوره نوح فرموده است.

الَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ﴿۱۵﴾

مگر ملاحظه نکرده اید که چگونه خدا هفت آسمان را تودرتو آفریده است (۱۵)

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿۱۶﴾

و ماه را در میان آنها روشنایی بخش گردانید و خورشید را [چون] چراغی قرار داد (۱۶)

علم در آسمانهای دیگر کاملا با این آسمان متفاوت است یعنی این علم فیزیک و شیمی که ما در زمین بکار می بریم؛ فقط در این آسمان کاربرد دارد. در آسمانهای دیگر علم کاملا متفاوت تری وجود دارد که انسان در این دنیا هنوز به آن نرسیده است. خدا در قرآن می فرمایدکه میتواند این ها را نابود کرده و یا خلق جدید و متفاوتی درست کند با قوانین فیزیک و شیمی و زیستی متفاوت. یعنی از پایه متفاوت.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿١٥﴾

ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی نیاز ستوده است (۱۵)

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾

و اگر بخواهد شما را می ب رد و خلقی نو [بر سر کار] می آورد (۱۶)

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾

و این [امر] برای خدا دشوار نیست (۱۷)

حتی انسان در دنیای آخرت، خلق جدیدی دارد یعنی همین نفس در خلقت جدیدی زندگی میکند.

وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿۴۹﴾

و گفتند آيا وقتى استخوان و خاك شديم [باز] به آفرينشى جديد برانگيخته مى شويم (۴۹)

آیه زیر را در نظر بگیرید که در مورد آسمان یکم صحبت میکند:

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿۳۲﴾

و آسمان را سقفى محفوظ قرار داديم و[لى] آنان از [مطالعه در] نشانه هاى آن اعراض مى كنند (۳۲)

از آیه بالا بخوبی ثابت میشود که آسمان یکم، فقط یک سقف و لایه است در مقابل آسمانهای دیگر.

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ﴿۶﴾

مگر به آسمان بالاى سرشان ننگريسته اند كه چگونه آن را ساخته و زينتش داده ايم و براى آن هيچ گونه شكافتگى نيست (۶)

همچنین از آیه بالایی ثابت میشود که آسمان یکم؛ جای خالی و شکاف ندارد (وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ). **یعنی فضای تاریکی که ما می بینیم؛ از نوعی ماده تاریک تشکیل شده است و برخلاف باور عموم ، حتی فضای خالی و تاریک هم از هیچی نیست و یک**

نوع ماده است. ولی در روز قیامت، راه خروج ایجاد میشود و در ماده تاریک خلل ایجاد میشود:

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿٩﴾و آنگاه که آسمان بشکافد (٩)

از آیه زیر هم نتیجه گرفته میشود که همانطور که زمین هفت لایه است، آسمانها هم به این روش هفت تایند. یعنی تو در تو و لایه به لایه همچون لایه های زمین. هر آسمانی داخل آسمان بالایی است.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿١٢﴾

خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین آفرید فرمان [خدا] در میان آنها فرود می آید تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است (١٢)

یعنی آسمان یکم در آسمان دوم واقع شده و آسمان دوم در آسمان سوم و الی آخر؛

همانطور که لایه اولی زمین که همان هسته است در میان لایه بعدی قراردارد. بیرونی ترین لایه ، همانجایی است که ما روی آن زندگی میکنیم. خارجی ترین لایه

بسیار وسیع تر است و به جاهای دیگر ارتباط دارد و کاملا باز است. آسمان هفتم هم به این صورت است. (خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ)

جهنم هم هفت طبقه است و یا شاید هفت لایه و هر کدام بدبختی های خودش را داراست. هنوز علم بشر به آن حد نرسیده است که جایی شبیه جهنم را معرفی کند. هر آنچه که از جهنم میدانیم، مربوط به قرآن و سایر کتب آسمانی است و غیر از آن اطلاعات دیگری نداریم.

بعضی ها هفت آسمان را هفت لایه جو در نظر می گیرند که کاملا اشتباه است. زیرا عظمت هفت آسمان آنچنان است که هفت لایه جو در مقابل آن ناچیز است. خدا از السماء دنیا صحبت میکند و از وجود مصابیح و ستاره ها در آن صحبت میکند. پس آسمانهای شش گانه دیگر، قطعا خارج از این محدوده هستند. در آیه زیر خدا از آسمان یکم صحبت میکند و منشاء آن را دخان میداند.

ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١﴾

سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد و آن بخاری بود پس به آن و به زمین فرمود خواه یا ناخواه بیایید آن دو گفتند فرمان‌پذیر آمدیم (١١)

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾

پس آنها را [به صورت] هفت آسمان در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار [مربوط به] آن را وحی فرمود و آسمان [این] دنیا را به چراغها آذین کردیم و [آن را نیك] نگاه داشتیم این است اندازه گیری آن نیرومند دانا (١٢)

بنابر فرموده آیه؛ پس آسمانهای دیگر از دخان نیستند و از جنس دیگری هستند. همچنین از آیه زیر مشخص میشود که آسمان یکم راهها و درهای خروج هم دارد که فقط برای مومنان باز میشود و فقط مومنان میتوانند از آن رد شوند و وارد بهشت شوند. یعنی مجرمین در همین آسمان میمانند و از آنجا وارد جهنم میشوند.

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿۴۰﴾

در حقیقت کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از [پذیرفتن] آنها تکبر ورزیدند درهای آسمان را برایشان نمی گشایند و در بهشت درنمی آیند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود و بدینسان بزهکاران را کیفر می دهیم (۴۰)

کافران از همین حالا جهنم را برای خود درست میکنند. طوریکه خدا میفرماید:

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿۴۹﴾

و از آنان کسی است که می گوید مرا [در ماندن] اجازه ده و به فتنه ام مینداز هش‌دار که آنان خود به فتنه افتاده اند و بی تردید جهنم بر کافران احاطه دارد (۴۹)

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿۵۴﴾

و شتابزده از تو عذاب می خواهند و حال آنکه جهنم قطعا بر کافران احاطه دارد (۵۴)

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۵۵﴾

آن روز که عذاب از بالای [سر] آنها و از زیر پاهایشان آنها را فرو گیرد و [خدا] می فرماید [نتیجه] آنچه را میکردید بچشید (۵۵)

یعنی جهنم دور و بر کافران را گرفته است و محیط است بر آنها. یعنی آنها را دور زده است و دارد دور میزند و در روز آخرت در آن سقوط میکنند. آنچه از فرموده خدا در قرآن مشخص میشود که جهنم اکنون در این آسمان نیست و روز قیامت به این آسمان آورده میشود و یا ظاهر میشود. یا شاید در روز قیامت، قواعد علمی آسمان یکم، طبق یک فرایند مشخص، به سمت و سوی قواعد علمی جهنم تغییر می یابد.

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿٢٣﴾

و جهنم را در آن روز [حاضر] آورند آن روز است كه انسان پند گيرد و[لى] كجا او را جاى پندگرفتن باشد (٢٣)

طبق آیه زیر هر وقت رزقی به بهشتیان داده میشود، آنان میگویند که مشابه اینها قبلا به ما داده شده است روی زمین.

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾

و كسانى را كه ايمان آورده اند و كارهاى شايسته انجام داده اند مژده ده كه ايشان را باغهايى خواهد بود كه از زير [درختان] آنها جويها روان است هر گاه ميوه اى از آن روزى ايشان شود مى گويند اين همان است كه پيش از اين [نيز] روزى ما بوده و مانند آن [نعمتها] به ايشان داده شود و در آنجا همسرانى پاكيزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند (٢٥)

این به آن معناست که رزق و میوه های این آسمان شباهتهایی به آسمانهای دیگر دیگر دارد ولی باز هم قابل مقایسه نیست، نه در تعداد و نه در کیفیت. بدن ما با مصرف میوه ها و رزق های این آسمان، بیشتر آن را دفع میکند ولی در آسمان های بالاتر ، اینطوری نیست.

آسمانها لایه لایه و تو در تو هستند، مثل تخم مرغهای تو در تو . هر امری از عرش خدا از طریق هفت آسمان به زمین میرسد، از آسمانهای مختلف طی میشود و از هر آسمان بالاتر به آسمان پایین تر نازل میشود. در حین تنزل ، پیامها طوری تبدیل میشوند که هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت به نسبت امکانات موجود در آسمان مورد نظر ، قابل استفاده باشند. کلام خدا در آسمان هفتم، اصلا با کلمات نیست ولی زمانی که همان پیام به آسمان ما میرسد و بر انسان نازل میشود، در قالب کلمات و زبان قراردادی انسان در می آید. در واقع آسمان یکم ساده سازی شده (simplified) آسمان های بالاتر است. در عین حال از نظر امنیت و زندگی هم کمیت و کیفیتش بسیار پایین تر از آسمانهای بالایی است. مثلا حیوانات روی زمین، علاوه بر آنکه نشانه ای از خلقت خدا هستند ولی روی کره زمین صفات زشتی دارند. یک خوک و یا یک گرگ و یا حیوانات دیگر صفات زشتی دارند که فقط برای عبرت انسانها خلق شده اند. غذاها و میوه هایی که در زمین هستند به نسبت عالم بالاتر بسیار کیفیتش پایینتر است و حتی میتوانیم بگوییم قابل مقایسه نیستند. وجود تصادفات و حوادث ناخوشایند و پیر شدن و فرسوده شدن تدریجی انسانها و مواد

این آسمان نشان میدهد که دلیل بزرگی پشت خلقت آسمان دنیا است. ما به این آسمان دون و پست تبعید شده ایم و باید شرایطی را طی کنیم تا به خدا و زندگی بالاتر ایمان آوریم. ناپایداری و کیفیت نامناسب مواد و پیری و فرسودگی و بیماریها و تصادفات روی کره زمین همگی ثابت میکنند که خدا در این زندگی میخواهد ما نفسمان را رشد دهیم و چیزهایی را به ما ثابت کند؛ تا ما دوباره توانایی و لیاقت برگشت به عالم بالاتر یعنی بهشت را داشته باشیم.

هر چیزی و هر اتفاقی در روی زمین که برای ما اتفاق می افتد؛ همگی در جایی ثبت شده اند و این نشان از وجود یک سیستم فوق العاده خلقت دارد که تماما همه چیز تحت کنترل خداست. راهی که ما در زندگی طی می کنیم؛ در عین حال که در کتاب خدا هست ولی برای ما اختیار است و ما آزادانه راهمان را انتخاب میکنیم. شاید این مورد برای ما انسان سه بعدی قابل درک نباشد ولی در سیستمی که خدا طراحی نموده است، براحتی امکان پذیر است.

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۲۲﴾

هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما [= به شما] نرسد مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم در کتابی است این [کار] بر خدا آسان است (۲۲)

این که بهشت در آسمانهای دیگر است و یا جای دیگری است؛ هنوز مشخص نیست. ولی در یکی از آیات به آن اشاره شده است. در یکی از آیات خدای مهربان می فرماید که بهشتی که پهنایش به اندازه آسمان و زمین است و در جای دیگری می فرماید که بهشتی که پهنایش آسمانها و زمین است.

سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾

[برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است [و] برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند بر یکدیگر سبقت جویید این فضل خداست که به هر کس بخواهد آن را می دهد و خداوند را فزون‌بخشی بزرگ است (٢١)

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾

و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است بشتابید (١٣٣)

طبق آیات بالایی فقط میتوان نتیجه گرفت که بهشت جایی است که به اندازه آسمانها و زمین است ولی محلش مشخص نشده است؛ شاید در آسمانهای بالاتر باشد و یا جایی جدا باشد.

جهنم محل زندگی جدیدی است که گناهکاران و مجرمین به آنجا هبوط پیدا میکنند؛ همانطور که انسان از آسمانهای دیگر هبوط پیدا کرد به آسمان دنیا. در

جهنم امکانات زندگی در حد زیر صفر است. همانطور که تنوع غذاهای زمین نسبت به بهشت ، در حد صفر است؛ تنوع غذاهای جهنم نسبت به زمین هم در حد زیر صفر است. علاوه بر آنکه تنوعی نیست؛ کیفیتی هم نیست. غذایی که ما روی زمین میخوریم، بیشترش دفع میشود. اما غذای جهنم همه اش دفع میشود و هیچ فایده ای ندارد و تماما درد و بیماری و رنج است. ما وقتی به زمین هبوط پیدا کردیم؛ تعدادی از ابعاد خویش را از دست دادیم و به یک بشر سه بعدی تبدیل شدیم با توانایی های محدود نسبت به بهشت. بر همین منوال، افراد در جهنم؛ باز هم محدودتر میشوند و اختیارات بسیار کمی خواهند داشت. به همین خاطر خدا میفرماید که در جهنم مردم به غل و زنجیر کشیده میشوند.

إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾

هنگامی که غلها در گردنهایشان [افتاده] و [با] زنجیرها کشانیده می شوند (٧١)

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾

در میان جوشاب [و] آنگاه در آتش برافروخته می شوند (٧٢)

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾

آنگاه به آنان گفته می شود آنچه را در برابر خدا [با او] شریك می ساختید کجایند (٧٣)

منظورش این است که ابعاد انسان بسیار محدود شده و حتی توانایی های راه رفتن و ... او نسبت به زمین بسیار محدودتر میشود. ما در کره زمین؛ توسط نور خورشید اذیت میشویم ولی در بهشت ؛ نور خورشید اصلا اذیت نمی کند و حتی ممکن است اصلا خورشید به معنای آسمان دنیای ما در آنجا وجود نداشته باشد.

مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ﴿۱۳﴾

در آن [بهشت] بر تختها[ى خويش] تكيه زنند در آنجا نه آفتابى بينند و نه سرمايى (۱۳)

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿۱۴﴾

و سايه ها[ى درختان] به آنان نزديك است و ميوه هايش [براى چيدن] رام (۱۴)

به گفته قرآن، در جهنم، سه خورشید وجود دارد که هر کدام از جنبه خاصی می تابند و افراد را می پزند. طوریکه سایه سه بعدی و زرد مانندی از افراد بوجود می آورد؛ در عین حال افراد هیچوقت در جهنم نمی میرند و برای همیشه در آنجا می مانند. بزرگترین نعمتی که ما در کره زمین داریم؛ مرگ است که از دست مشکلات دنیوی خلاص میشویم. واقعا کسی که وارد جهنم شود، دچار بدبختی بزرگی شده است.

انْطَلِقُوا إِلَى ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿۳۰﴾

بروید به سوی [آن] دود سه شاخه (۳۰)

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿۳۱﴾
نه سایه دار است و نه از شعله [آتش] حفاظت می کند (۳۱)

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿۳۲﴾
[دوزخ] چون کاخی [بلند] شراره می افکند (۳۲)

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ﴿۳۳﴾
گویی شترانی زرد رنگند (۳۳)

از آنجا که این مسائل مربوط به غیب است و تنها منبع ما، فقط آیات قرآن هستند؛ تا اینجا طبق آیات فوق نتیجه گرفته میشود که آسمان دنیا تنزل یافته آسمان دوم و آسمان دوم هم تنزل یافته آسمان سوم و بر همین منوال. جهنم هم تنزل یافته زندگی روی زمین است. بطوریکه حالت زشت شده آن است. امکانات محدود و ابعاد محدود. لذتهای واقعی در بهشت یافت میشود؛زمین با تمام محدودیتهایش، اما هنوز در آن بعضی لذتها هست. در جهنم که تنزل یافته این زندگی است؛ اصلا لذتی وجود ندارد و سراسر زجر و درد و بیماری است. هر چند روی کره زمین ما بیمار میشویم ولی با امید و توکل به خدا میتوان بیماری را رد کرد و تحمل کرد. اما در جهنم امید به خدا و توکل به او وجود ندارد و این بزرگترین درد اهل جهنم است. بعد از ورود افراد به جهنم؛ خدا از آنان روی برگردانده و به حال خودشان رهایشان

میکند. اما در روی زمین، خدا هر لحظه ما را می بیند و هر لحظه صدا و شکوایه ما را میشنود و ما را کمک میکند و به دادمان میرسد و از غم و غصه نجاتمان میدهد. اما در جهنم شرایط اینطوری نیست.

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿۱۰۸﴾

می فرماید [بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید (۱۰۸)

به محض عدم توجه خدا به افراد، آنان وارد جهنم خواهند شد برای همیشه.

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿۱۵﴾

زهی پندار که آنان در آن روز از پروردگارشان سخت محجوبند (۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ ﴿۱۶﴾

آنگاه به یقین آنان به جهنم درآیند (۱۶)